

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدمتگزاری به مردم در سیره و سخن امام حسین علیه السلام



قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ نَفَّسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ أَحْسَنَ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ
اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

هر کس اندوهی از دل مؤمنی بزدايد، خداوند اندوه های دنیا
و آخرت را از او بر طرف می کند و هر که نیکی کند خدا با او نیکی
خواهد نمود. خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۱۲۱)

ای موج صفا، روانه ی ساحل تو
ای مهر و وفا، سرشت آب و گل تو
رنج و غم اگر، از دل مؤمن ببری
اندوه دو عالم، ببرند از دل تو

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام خدمت به مردم و نیازمندان جامعه است. از دیدگاه مکتب حیات بخش اهل بیت علیهم السلام خدمتگزاری به افراد جامعه، حدودمرزی ندارد و یک دین‌باور حقیقی در تمام صحنه‌های زندگی با الهام از رهبران آسمانی خویش می‌کوشد تا باری را از دوش دیگران بردارد و خدمتی را به بشر ارائه کند؛ گرچه فرد مخدوم، هم‌کیش او نباشد، البته خدمت به اهل ایمان اهمیت ویژه‌ای دارد.

امام حسین علیه السلام با تأکید بر این باور و حیانی می‌فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ؛ (۱) بدانید نیازمندی‌های مردم که [به شما مراجعه می‌کنند] از نعمت‌های الهی است پس نعمت‌ها را افسرده نسازید [یعنی مبدا با رنجاندن مردم نیازمند کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت‌رسانی به دیگران محول خواهد شد.»

بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت خاتم‌الانبیاء صلی الله علیه و آله در پیامی جهانی به پیروان خود چنین رهنمود می‌دهد:

«ایما مسلم خدم قوما من المسلمین الا اعطاه الله مثل عددهم خداما فی

الجنة؛ (۲) هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی را در بهشت به او عطا خواهد کرد.»

اساساً یکی از مهم‌ترین آرزو و درخواست‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام از خداوند متعال توفیق خدمتگزاری به مردم بوده است و آنان این خواسته ارزشمند خویش را در قالب دعاها و سخنان گهربار خویش ابراز می‌نمودند. امام سجاد علیه‌السلام در دعای مکارم الاخلاق با پروردگار متعال چنین نجوا می‌فرماید:

«**واجِر للناس علی یدی الخیر ولا تمحّقه بالمن** (۳)؛ خداوندا! انجام کارهای خیر را برای مردم، به دست من اجرا کن و خدمات نیکم را با منت‌گزاری ضایع مگردان.»

رفع نیاز حاجتمندان و کمک به ارباب رجوع، از نکات قابل توجهی است که در جوامع حدیثی و منابع فقهی بخش‌های مستقلی برای آن منظور شده است. «**قضاء حاجة المؤمن**»، «**خدمة المؤمن**»، «**الاهتمام بامور المسلمين**»، «**الطاف المؤمن و اکرامه**» برخی از عناوین این ابواب است.

در متن این گفتارهای سودمند، افزون بر ثواب‌های اخروی خدمت‌رسانی، به نتایج پربار این صلت خداپسندانه در دنیا نیز

اشاره شده است. در یکی از همین روایات، حضرت سیدالشهداء علیه السلام به خدمتگزاران راستین به مردم نوید می دهد:

«من نفس كربة مؤمن فرج الله عنه كرب الدنيا والاخرة (۴)؛ هر کس اندوهی را از دل یکی از اهل ایمان بزدايد، خداوند متعال غصه های دنیا و آخرت او را از میان برداشته [مشكلاتش را حل خواهد نمود].» بنابراین خدمت رسانی در جامعه اسلامی، به ویژه از سوی کارگزاران و مسئولان و صاحبان قدرت و مال و متنفذان، امری لازم و ضروری است؛ و شایسته است که هر مسلمان وظیفه شناس و مسئولیت پذیر در هر پست و مقامی که باشد در امر خدمت رسانی همت نماید و تلاش خود را مضاعف گرداند.

خاطر ناشاد را دل شاد کردن همت است

باغ آفت دیده را آباد کردن همت است

صید مرغان حرم کردن ندارد افتخار

طایری را از قفس آزاد کردن همت است

نان بریدن شیوه مردان والا نیست، نیست

نان برای نوع خود ایجاد کردن همت است

در زمان ناتوانی یاد یاران فخر نیست

روز قدرت از ضعیفی یاد کردن همت است

در این نوشتار سعی شده که عمل مقدس خدمت‌رسانی در سیره و سخن شاخص‌ترین الگوی خدمتگزاران، یعنی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بررسی شده و برخی از زیباترین رفتارها و گفتارهای آن خادم راستین امت اسلام و جامعه بشری به خوانندگان بزرگوار عرضه شود؛ زیرا آن حضرت، پناه بی‌پناهان، دستگیر یتیمان و اسوه کامل خدمتگزاران است. حضرت مهدی علیه‌السلام در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به آن بزرگوار می‌فرماید:

«كنت ربيع الايتام وعصمة الانام وعز الاسلام و معدن الاحكام وحليف الانعام؛ [ای جد بزرگوار!] تو بهار یتیمان، حافظ و پناه مردم، مایه سرافرازی اسلام، کانون احکام و معارف الهی و هم‌پیمان بخشش و احسان بودی.»

آری امام حسین علیه‌السلام نمونه بارز خدمتگزاری و خدمت‌رسانی به مردم دردمند بود، او با اعمال و رفتار خویش نه تنها گرهی را از زندگی

گرفتاران باز می‌کرد بلکه چگونه خدمت کردن به دیگران را به
علاقه‌مندان خویش و بشر دوستان عالم عملاً آموزش می‌داد.

آداب خدمت‌رسانی

در سیره امام حسین علیه‌السلام در زمینه خدمت‌رسانی نکات ظریفی
وجود دارد که دقت بیشتر خادمان دلسوز را می‌طلبد. توجه به شخصیت
و حیثیت افراد در امر خدمت‌رسانی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که
شایان توجه می‌باشد؛ چراکه اگر در ضمن اجرای نیکی و احسان و
کمک به ارباب رجوع به عزت نفس و آبروی افراد بی‌توجهی شود، نه تنها
عمل خدمت‌رسانی نتیجه مثبت نخواهد داد بلکه مایه انزجار و نفرت نیز
خواهد بود. در این صورت شیرین‌ترین ثمره خدمت به تلخ‌ترین
خاطره‌ها تبدیل خواهد شد؛ به همین جهت، حضرت سیدالشهداء
علیه‌السلام به این نکته لطیف توجه خاصی داشت و در مواجهه با
نیازمندان این شیوه را رعایت می‌کرد. دو نمونه از رفتار آن حضرت را
در این زمینه باهم می‌خوانیم:

۱. روزی شخصی از انصار برای حل مشکل خود به پیشگاه آن بزرگوار
آمد. او هنوز لب به سخن نگشوده بود که امام علیه‌السلام از چهره

نگران و سیمای گرفته او، دردها و رنج‌های درونی‌اش را دریافت و به وی فرمود:

«یا اخا الانصار صن وجهک عن بذلة المسالة وارفع حاجتک فی رقعة فانی آت فیها ما سارک ان شاءالله؛ ای برادر انصاری، خواسته‌ات را به صورت شفاهی مطرح نکن. خواسته خود را در کاغذی بنویس تا ان شاءالله من با انجام دادن آن، موجبات خوشحالی تو را فراهم آورم.»

او نیز در نامه‌ای چنین نوشت:

«یااباعبدالله، من به فلانی پانصد دینار بدهکارم و او مرا تحت فشار قرار داده، با او صحبت کن تا به من مهلت دهد.»

امام نامه‌اش را مطالعه کرده و سپس به درون منزل رفت و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به مرد انصاری داد و به او فرمود:

«پانصد دینار آن را به طلبکار خودپرداخت کن و با بقیه این پول به زندگیت سامان ده.»

و در ادامه افزود:

«ولا ترفع حاجتک الا الی احد ثلاثة: الی ذی دین، او مروءة، او حسب،

فاما ذوالدين فيصون دينه واما ذوالمروة فانه يستحيى لمروته واما
ذوالحسب فيعلم انك لم تكرم وجهك ان تبذله له في حاجتك فهو
يصون وجهك ان يردك بغير قضاء حاجتك (۵)؛ [ای برادر، اگر روزی
گرفتار شدی] مشکل خود را به جز برای سه کس اظهار نکن:

۱. افراد دیندار؛ ۲. جوانمرد؛ ۳. انسانهایی که شرافت خانوادگی دارند.
دیندار برای حفظ دین خود [به تو یاری می رساند] و جوانمرد به سبب
مردانگی خود حیا می کند [و به کارت رسیدگی می کند] و فرد اصیل و
شریف نیز می داند که تو با رفتن نزد او از آبرویت مایه گذاشته ای و
برای انجام دادن خواسته‌ات کوشیده، آبرو و شخصیت تو را حفظ می
کند.»

۲. روزی مردی بینوا که بر اثر فشار زندگی جانش به لب رسیده و
دستش از همه جا کوتاه شده بود به امید رسیدن به نوایی به مدینه آمد.
او در آنجا از کریم ترین و سخی ترین فرد سؤال کرد.

به او گفته شد: حسین بن علی علیه‌السلام شریف ترین و سخی ترین
فرد مدینه است. مرد بینوا در جستجوی آن امام بزرگوار به مسجد آمد و
حضرت را در حال نماز دید. او در همان جا با خواندن ابیاتی خواسته

اش را مطرح نمود:

«لم یخب الان من رجاك و من

حرک من دون بابک الحلقة»

«تا به حال ناامید و مایوس نشده هر کسی که به تو امید بسته و درب

خانه ات را کوبیده است.»

«انت جواد وانت معتمد

ابوک قد کان قاتل الفسقة»

«تو بخشنده ای و تو مورد اعتمادی و پدرت نابود کننده افراد فاسق و

تبهکار بود.»

امام حسین علیه السلام بعد از شنیدن سخنان وی رو به قبر کرد و

فرمود:

«آیا از مال حجاز چیزی بجای مانده است؟» قبر گفت: «بلی، چهار هزار

دینار داریم.» امام فرمود: «قبر! آنها را حاضر کن که این شخص در

مصرف آنها از ما سزاوارتر و نیازمندتر است.»

سپس امام به منزل رفت و ردای خود را - که از برد یمانی بود - از تن

در آورد و دینارها را در آن پیچید و از لای در به آن مرد نیازمند داد و اشعار او را نیز با ابیاتی چنین پاسخ فرمود:

«خذا فانی الیک معتذر

واعلم بانی علیک ذوشفقة»

«اینها را از من قبول کن، من از تو عذر می خواهم و بدان که من برای تو مهربان هستم.»

«لو کان فی سیرنا الغداة عصا

امست سمانا علیک مندفة» «اگر امروز قدرت و حکومتی داشتیم و دست ما بازتر بود، مطمئناً آسمان جود و رحمت ما بر تو ریزش می کرد.»

«لکن ریب الزمان ذوغیر

والکف منی قليلة النفقة»

«ولی حوادث روزگار در حال دگرگونی و تغیر است و بخشش من اندک شده است.»

مرد نیازمند هدایای امام را از لای در گرفت و گریست. امام پرسید: «آیا

عطای ما را کم شمردی؟» گفت: «نه، هرگز بلکه به این نکته می اندیشم که این دستان پرمهر و با سخاوت چگونه در زیر خاک پنهان خواهد شد (۶)!

رفتار دل پذیر

اگر در مواردی انسان نتواند نیاز حاجتمندی را برآورد، شایسته است که او را با زبان خوش و رفتاری دل انگیز راضی کند؛ چراکه برای خدمتگزار وظیفه شناس همیشه کمک مالی به درماندگان ممکن نیست؛ ولی او می تواند با رفتار دل پذیر خود، مرهمی بر زخم دردمندان، بگذارد؛ همچنان که رسول گرامی اسلام می فرماید:

«انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم؛ (۷) شما هرگز نمی توانید همه مردم را با بذل مال [راضی کرده] و گشایشی در زندگی بر ایشان ایجاد کنید ولی با اخلاق خوششان آنان را خوشنود کنید.»

بر همین اساس، حضرت امام حسین علیه السلام گاهی که برایش رفع گرفتاری مستمندان مقدور نبود با گشاده رویی و رفتاری خوشایند مراجعان را راضی می فرمود. یکی از این مصادیق را مرور می کنیم:

آن حضرت نشسته بود که فرد نیازمندی به آن بزرگوار مراجعه کرد و

اظهار داشت: ای پسر رسول خدا، به دادم برس! فلان شخص از من طلبکار است و می خواهد مرا زندانی کند. امام حسین علیه السلام فرمود: «والله ما عندی مال اقضی عنک؛ به خدا قسم! الان هیچ پولی ندارم که بدهی تو را پرداخت نمایم.»

مرد بدهکار گفت: «پس لااقل با او گفتگو کن شاید رایش عوض شود.» امام فرمود: «من هیچ گونه آشنایی با طلبکار تو ندارم، اما از پدرم امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من سعی فی حاجة اخیه المؤمن فکانما عبدالله تسعة آلاف سنة، صائما نهاره، قائما ليله؛ (۸) هر کس در راه حل مشکل برادر ایمانی خود تلاش نماید چنان است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده درحالی که روزها را روزه گرفته و شبها را به عبادت گذرانیده باشد.»

به همین جهت اگر نتوانیم خدمتی به نیازمندان بکنیم، رفتار خوشایند، می تواند تا حدودی از دردهای درونی افراد رنجور کاسته و موجب آسایش خاطر آنان باشد. شاعری خوش ذوق این نکته را چنین ترسیم کرده است:

آرزو دارم که گر گل نیستم، خاری نباشم

باربرداری زدوشی نیستم باری نباشم

گر چه نتوانم ستانم حق مظلومی ز ظالم

باری این خواهم که همکار ستمکاری نباشم

نیستم گر نوشدارویی برای دردمندی

نیز بابی دست و پای نیش جراری نباشم

امام حسین علیه السلام و بیماران نیازمند

عیادت از بیماران نیازمند از ویژگیهای مهم سالار شهیدان بود. آن حضرت با ملاقات آنان علاوه بر دلجویی و تسکین آلام روحی و جسمی بیماران و دردمندان، به مشکلات مادی و اقتصادی آنان نیز رسیدگی می کرد؛ چراکه مریضهای فقیر و مستمند بیش از آنکه در اندیشه سلامتی خود باشند به فکر بدهکاریها و نیازهای مادی خود هستند و این مشکل از نظر روحی و روانی شدیداً آنان را می آزارد. به همین جهت بر افراد توانمند و مرفه جامعه مسلمین لازم است که به این موارد توجه بیشتری داشته باشند و همچنان که در فکر رفاه و آسایش

خود و خانواده هایشان هستند در اندیشه این گروه دردمند نیز باشند.

«ابن شهر آشوب» می نویسد:

«روزی امام حسین علیه السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامه بن زید رفت. او در بستر بیماری آه و زاری می کرد و مکرر می گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: چه اندوهی داری؟ اسامه گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته است. امام حسین علیه السلام فرمود: ناراحت نباش! من بدهیهای تو را پرداخت می کنم. اسامه گفت: می ترسم قبل از پرداخت بدهیهایم بمیرم. حضرت فرمود: من تمام بدهی هایت را قبل از مرگ تو می پردازم.

حضرت اباعبدالله علیه السلام همچنان که وعده داده بود قبل از مرگ اسامه تمام قرضهای وی را پرداخت (۹).»

خدمت به ضعیفان و یتیمان

امام حسین علیه السلام بسان همه پیشوایان معصوم در خدمت رسانی به محرومان و یتیمان، برنامه ویژه ای داشت و آن حضرت منتظر نمی ماند که یتیمی به او مراجعه کرده، نیازهایش را بازگو کند. سرور آزادگان

جهان برای رسیدن به درجات خدمتگزاران حقیقی، خود پیشقدم می شد و به طور ناشناس و در دل شبهای تاریک به رفع مشکلات یتیمان، بیوه زنان و محرومان جامعه می پرداخت. او همچون پدر ارجمندش حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن چنان در این امر مهم اهتمام داشت و کار خود را به صورت غیر محسوس انجام می داد که تا قبل از شهادتش مردم عادی از یتیم نوازی و خدمات محرومیت زدایی آن جناب آگاهی نداشتند.

«شعیب بن عبدالرحمن خزاعی» در این زمینه می گوید: «بعد از حماسه عاشورا، مردان قبیله بنی اسد - هنگامی که خواستند جسد مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام را دفن کنند - بر دوش آن حضرت، اثر زخمی یافتند که کاملاً از جراحتهای جنگی متفاوت بود؛ زخم کهنه ای بود که هیچ شباهتی به زخمهای روز عاشورا نداشت. از امام سجاد علیه السلام در این مورد سؤال کردند. آن حضرت در پاسخ فرمود:

«هذا مما ينقل الجراب على ظهره الى منازل الارامل والیتامی؛ (۱۰) این زخم بر اثر حمل کیسه های غذا و به دوش کشیدن هیزم به خانه های بیوه زنان و یتیمان است.»

شهریاری که به شب برقع پوش

می کشد بار گدایان بر دوش

ناشناسی که به تاریکی شب

می برد نان یتیمان عرب

خدمت به قدر معرفت

در سیره امام حسین علیه السلام خدمت رسانی به هر کسی به اندازه معرفت اوست؛ زیرا پرسودترین سرمایه هر کسی گوهر معرفت و علم و ادب است و تمام امور زندگی و فلسفه خلقت انسان برای وصول به این مقام است و این سرمایه جاویدان - برخلاف سرمایه های مادی - در دنیا و عقبی با انسان همراه است.

همچنان که گفته اند:

گوهر معرفت آموز که با خود ببری

که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

شخصی به حضور پیشوای سوم آمد و عرض کرد: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، من خون بهایی را عهده دار شده ام اما در پرداخت

آن ناتوانم. به ناچار پیش خود فکر کردم این مشکل را با کریم ترین مردم عصر در میان بگذارم و هر چه جستجو کردم کریم تر از شما نیافتم.»

امام علیه السلام به او فرمود: «ای برادر! من سه سؤال از تو می کنم؛ اگر یکی را پاسخ دادی ۱۳ بدهی ات را می پردازم و اگر دو تا را جواب گفتی ۲۳ و اگر همه را صحیح پاسخ دادی تمام بدهی ات را خواهم پرداخت!»

مرد ناتوان با لحنی عاجزانه گفت: «ای فرزند رسول الله! آیا شخصی مثل شما - که از خاندان علم و شرف و فضیلت هستی - از کسی مثل من سؤال می کند؟!»

امام حسین علیه السلام فرمود: «بلی، از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: **المعروف بقدر المعرفة**، نیکی [و خدمت به دیگران] به قدر معرفت [آنها] ست.»

مرد گفت: «در این صورت هر چه می خواهی پرس!» و امام با آن مرد چنین گفتگو کرد:

- «کدام عمل، فضیلت بیشتری دارد؟»

- «ایمان به خدا»

- «راه نجات از هلاکت چیست؟»

- «اعتماد به خدا»

- «آرایش و زیبایی حقیقی افراد در چیست؟»

- «علم و دانشی که با حلم و بردباری توأم باشد.»

- «اگر آن نبود؟»

- «ثروتی که با انصاف و مروت همراه باشد.»

- «اگر آن هم نبود؟»

- «فقر و محرومیتی که با صبر و پایداری تحمل شود.»

- «اگر آن هم نباشد؟»

- «در این صورت بهتر است بلایی از آسمان آمده، چنین فردی را نابود کند که او شایسته همین است.»

در اینجا امام حسین علیه السلام خندید و مبلغ هزار دینار به وی عطا کرد. آنگاه انگشتر مبارکش را که نگینی به ارزش دویست درهم داشت

به عطایش افزود و فرمود: «یا اعرابی! اعط الذهب الی غرمائك واصرف
الخاتم فی نفقتک؛ ای مرد عرب، طلا را به طلبکارانت بده و انگشتر را
در مصارف شخصی خود خرج کن.»

مرد بدهکار با خوشحالی تمام هدیه امام را گرفت و درحالی که آیه «الله
اعلم حیث يجعل رسالته» را قرائت می‌کرد، از حضور امام حسین
علیه‌السلام مرخص شد. (۱۱)

هشدار به مسئولان

سرور آزادگان جهان، اندکی قبل از هلاکت معاویه، در خطبه ای
حساس و تاریخی در سرزمین منا به مسئولان جامعه اسلامی و عالمان و
حاکمانی که در اجتماع نقش مؤثری دارند، اما در مورد خدمت‌رسانی
به فقرا، محرومان و نیازمندان جامعه کوتاهی می‌کنند سخنانی هشدار
دهنده بیان می‌فرماید و نکات مهمی را در این زمینه به آنان یادآور
می‌شود.

آن حضرت در بخشی از سخنان خود به تزییع حقوق مستضعفان و
محرومان جامعه اشاره می‌فرماید و از بی‌توجهی مسئولان جامعه به
مسائل خدماتی انتقاد می‌کند و می‌فرماید:

«فاما حق الضعفاء فضيعتم واما حقكم بزعمكم فطلبتم، فلا مالا بذلتموه، ولا نفسا خاطرتم بها للذي خلقها و لاعشيرة عاديتموه في ذات الله، انتم تتمنون على الله جنته ومجاورة رسله وامانا من عذابه؟!»

[شما ای بزرگان و مسئولان جامعه!] حق ضعیفان را پایمال نمودید و آنچه را که حق خود تصور می کردید طلب کردید ولی در راه خدا نه مالی بخشش کردید و نه جانتان را به مخاطره انداختید و نه از اقوام و بستگان خود برای رضای خدا بریدید. آیا [با این پرونده سیاه و اعمال زشت] بهشت خداوند و همجواری پیامبران او را آرزو می کنید و با این حال می خواهید از عذاب خدا در امان بمانید؟!]

سالار شهیدان در فراز دیگری از کلمات بیدارگرانه و کوبنده خود به وضعیت اسف بار و نابسامان مستضعفان و بیچارگان می پردازد و می فرماید:

«وقد ترون عهود الله منقوضة فلا تفرعون وانتم لبعض ذمم آبائكم تفرعون وذمة رسول الله مخفورة و العمى والبكم والزمن في المدائن مهمة لا ترحمون و لافي منزلتكم تعملون ولا من عمل فيها تعنون وبالادهان والمصانعة عند الظلمة تامنون؛ (۱۲)

شما می‌بینید که پیمان‌های الهی شکسته می‌شود ولی هیچ فریاد نمی‌کشید درحالی‌که برای بعضی از پیمان‌های پدرانان آشفته‌خاطر می‌شوید. اینک پیمان‌های رسول خدا صلی‌الله علیه و آله مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و نابینایان، اشخاص کر و زمین‌گیر در همه شهرها بی‌سرپرست مانده‌اند، به آنان رحم نمی‌کنید و مطابقشان و منزلت خود عمل نمی‌کنید و به کسانی که در این راه خدمت می‌کنند توجه نمی‌کنید و با چرب‌زبانی و سازش با ستمکاران خود را در حاشیه امن قرار داده‌اید.»

امام حسین علیه‌السلام خودداری از رسیدگی به محرومان و نیازمندان را از بدترین صفات حاکمان می‌دانست و همواره می‌فرمود:

«**شر خصال الملوك: الجبن من الاعداء والقسوة على الضعفاء والبخل**

عند الاعطاء؛ (۱۳) بدترین صفات حاکمان، ترس از دشمنان، قساوت بر ضعیفان و خودداری از بخشش در موقع عطا می‌باشد.»

آن حضرت علاوه بر حمایت‌های عملی خویش از محرومان جامعه بر ضرورت خدمت‌رسانی به نیازمندان تأکید کرده، در گفتارها و اشعارش این اعتقاد خود را ابراز می‌نمود.

نمونه‌ای از اشعار آن بزرگوار را می‌خوانیم:

«اذا جادت الدنيا عليك فجدبها

على الناس طرا قبل ان تتفلت»

«آنگاه که دنیا به تو روی خوش نشان داد [و برایت امکاناتی فراهم شد]
تو هم از آن به نفع نیازمندان و مستمندان بهره گیر، قبل از آنکه از
دست بیرون رود.»

فلا الجود يفيها اذا هي اقبلت

ولا البخل يبقيا اذا ما تولت»

(۱۴) «نه بخشش تو آن را - هر گاه به تو روی آورد - از بین خواهد
برد و نه بخل تو، آن را - هر گاه به تو پشت کند - باقی خواهد
گذاشت.»

آثار خدمتگزاری

حضرت حسین بن علی علیه السلام برای توسعه امر خدمت‌رسانی در
جامعه، مردم را از آثار این امر مقدس آگاه کرده، می‌فرماید:

«فمن تعجل لآخيه خيرا وجده اذا قدم عليه غذا ومن اراد الله تبارك

وتعالى بالصنعة الى اخيه كافاه بها في وقت حاجته وصرف عنه من بلاء الدنيا ما هو اكثر منه ومن نفس كربة مؤمن فرج الله عنه كرب الدنيا والآخرة؛ (۱۵) هر کس برای نیکی [و خدمت‌رسانی] به برادر خود بشتابد فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیشتر از آن او را از بلاها و گرفتاریها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی بر طرف نماید، خداوند متعال غم و غصه‌های دنیا و آخرت [او] را برطرف خواهد نمود.»

مهم‌ترین شرط خدمتگزاری

در خدمتگزاری به مردم یک شرط اساسی وجود دارد که بدون آن عمل نیک، ارزش واقعی خود را از دست خواهد داد و آن اینکه خدمت به مردم باید از راه صحیح و پاکیزه انجام پذیرد؛ و بر اساس تقوا و پاکدامنی و برای خدا باشد وگرنه خدمت‌رسانی به خاطر مقاصد نفسانی و هواهای شیطانی هیچ گونه تاثیری نخواهد داشت؛ چراکه عمل خیر باید از راه خیر و نیک انجام پذیرد؛ همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«انما يتقبل الله من المتقين» (۱۶)؛ «خداوند متعال فقط از پرهیزگاران [اعمال نیک] را می پذیرد.»

در این راستا امام حسین علیه السلام رهنمودهای ارزنده ای به جامعه بشری عرضه نموده است. هنگامی که به آن حضرت خبر دادند «عبدالله بن عامر» - از کارگزاران بنی امیه - چنین و چنان صدقه داده و عده زیادی برده آزاد کرده است، امام علیه السلام فرمود:

«مثل عبدالله بن عامر همانند کسی است که از حاجیان و راهیان خانه خدا سرقت کرده و سپس اموال دزدی را صدقه می دهد.» آنگاه افزود:

«انما الصدقة الطيبة صدقة من عرق فيها جبينه واغبر فيها وجهه؛ صدقه پاکیزه، صدقه کسی است که در راه کسب آن پیشانی اش عرق کرده و صورتش غبارآلود شده است.»

وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «منظور حضرت سید الشهداء علیه السلام چه کسی بوده است؟» فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام.» (۱۷)

پی نوشت:

- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹
- (۲) اصول کافی، باب خدمت به مؤمن، ح ۱،
- (۳) صحیفه سجادیه، دعای ۲۰،
- (۴) کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹،
- (۵) تحف العقول، ص ۲۴۷،
- (۶) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰،
- (۷) الاختصاص، ص ۲۲۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۲۹،
- (۸) بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵،
- (۹) مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۱،
- (۱۰) همان، ج ۴، ص ۶۶؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰،
- (۱۱) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶،
- (۱۲) تحف العقول، ص ۲۳۷ و ۲۳۸،
- (۱۳) العوالم، الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۲،
- (۱۴) المناقب، ج ۴، ص ۶۶،

(۱۵) كشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۰،

(۱۶) مائده، ۲۷،

(۱۷) دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۴.

دفتر مطالعات و تأمین محتوا